

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی-پژوهشی

سال ششم-شماره چهارم-زمستان ۱۳۹۲-شماره پیاپی ۲۲

بررسی میزان نزدیکی کلمات فارسی روزنامه افغانی انصاف با کلمات فارسی مورد استفاده در

ایران

(ص ۳۶۰-۳۴۵)

مریم افراسیابی^۴

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۱/۳

تاریخ پذیرش قطعی: ۹۲/۸/۴

چکیده :

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی میزان قرابت کلمات فارسی معیار نوشتاری روزنامه افغانی انصاف با کلمات فارسی مورد استفاده در ایران میباشد.

در این پژوهش، از میان روزنامه‌های موجود در افغانستان، تعداد پنج شماره از روزنامه "انصاف" به عنوان نمونه انتخاب گردید. سپس کلمات روزنامه در پنج هدف مشخص شده مورد بررسی قرار گرفت. (لازم به ذکر است که دسته بندی کلمات بر این اساس برگرفته از کاری است که دکتر انوشه و خداینده لو در کتاب فارسی ناشنیده انجام داده اند.)

۱- کلمات فارسی (بیگانه و غیربیگانه) که در روزگاران کهن کاربرد داشته‌اند. این کلمات در ایران فراموش شده‌اند، اما در افغانستان همچنان زنده‌اند و کاربرد روزانه دارند.

۲- کلماتی که در دو کشور کاربرد دارند، اما معنی آنها (حدوداً یا کاملاً) در هر یک از دو کشور فرق میکند.

۳- کلماتی که از زبانهای دیگر به فارسی افغانستان راه یافته‌اند، اما هیچ حضوری در فارسی ایران ندارند.

۴- کلماتی که در ایران و افغانستان (با معنای روشن) حضور دارند ولی به لحاظ شکل ظاهری (تا حدی یا کاملاً) متفاوتند.

۵- کلماتی که جزء دایره کلماتی فارسی مورد استفاده در افغانستان میباشد و در فارسی ایران حضور ندارند.

بررسیها از مقایسه گونه نوشتاری فارسی ایران و افغانستان چنین نشان میدهد که صرفنظر از پاره ای تفاوتها تقریباً تمام کلمات نوشتاری فارسی افغانستان و ایران یکسان است و دامنه تفاوتها به حدی نیست که در امر تفهیم و تفاهم در نوشتار اختلال عمده‌ای به وجود آورد.

کلمات کلیدی: کلمات زبان فارسی، روزنامه انصاف، فارسی افغانستان، فارسی ایران، گونه نوشتاری

۱- کارشناس ارشد آموزش زبان فارسی و آموزگار پایه پنجم ابتدایی Maryam.u700@gmail.com

مقدمه:

ضرورت تحقیق:

فارسی یکی از زبانهای هند و اروپایی در شاخه زبانهای ایرانی جنوب غربی است که در کشورهای ایران، افغانستان، تاجیکستان و ازبکستان به آن سخن میگویند. فارسی زبان رسمی کشورهای ایران و تاجیکستان و یکی از دو زبان رسمی افغانستان (در کنار زبان پشتو) است. فارسی را پارسی نیز میگویند. از وقتی که ایران، افغانستان و تاجیکستان از نظر سیاسی، استقلال یافتند، به تدریج در زبانهای رسمی این کشورها تغییراتی پیدا شد، اما سنت نیرومند این زبانها مانع از آن شد که از هم کاملاً دور باشند. [فارسی و تاجیکی: دو گونه متفاوت از زبان فارسی، رزم آرا: ۱۰۹-۱۲۷]. در واقع، به خاطر میراث فرهنگی و ادبی، اهل زبان این سه کشور در برقراری ارتباط زبانی در این جامعه زبانی وسیع وکلان، زبان همدیگر را میفهمند. [Persian Language and Littrature: Lewis,"

فارسی افغانستان از جهت اشتغال بر بعضی کلمات کهن این زبان و نیز نظام آوایی اصیل آن، میتواند برای دیگر فارسی‌زبانان دنیا نیز جذاب و در مواردی - به‌ویژه رفع مشکلات متون کهن - راهگشا باشد. اما ارزش مهمتر این زبان، این است که محکمترین پل پیوند فکری و فرهنگی اهالی دو کشور است و مهمترین وجه مشترک از مشترکات مردم ایران و افغانستان.

روش تحقیق:

پس از دسته‌بندی لغات در پنج هدف مشخص شده، تعداد کلمات روزنامه به صورت تقریبی مشخص که عدد ۴۶۸۲۵ به دست آمد که این عدد تعداد تقریبی کل کلمات پنج شماره را نشان میداد. پس از بررسی لغات مشخص شده در چهار سطح و تعداد کل کلمات موجود در پنج شماره روزنامه، نتیجه نشان داد که تقریباً تمام کلمات نوشتاری فارسی افغانستان و ایران یکسان است. محقق در این راستا از واژه‌نامه‌ها و منابع مختلفی برای به دست آوردن معنی دقیق لغات استفاده کرده است از جمله: لغت نامه دهخدا، کتاب فارسی ناشنیده، فرهنگ لغت معین، واژه‌نامه ویکی

پدیا و ... در این مقاله هر جا که لازم بوده که اصالت واژه بیگانه مشخص گردد از اختصار استفاده شده و به صورتهای زیر نوشته شده است:

فرانسوی (فر) / انگلیسی (انگل) / هندی (هندی) / پشتو (پش) / عربی (عرب)

پیشینه تحقیق:

الف- کلمات فارسی (بیگانه و غیربیگانه) که در روزگاران کهن کاربرد داشته‌اند. این کلمات در ایران فراموش شده‌اند، اما در افغانستان همچنان زنده‌اند و کاربرد روزانه دارند.

۱- والی (ش ۵۲۸ ص ۱) به معنای استاندار [انصاف پور] و [انوشه و خدابنده لو] والی میدان وردک ۲- جوزا (سومین برج از برجهای دوازده گانه پس از ثور و پیش از سرطان مطابق خرداد ماه کنونی) [معین] ۳- ولایت (بخشهایی از یک کشور که یک نفر والی بر آنها فرمانروایی کند. ۲- شهرستان ۳. ولایات) [دهخدا] برای خانواده های شهدای رویداد ۹ جوزای ولایت میدان وردک از سوی رئیس جمهور کززی کمک نقدی شد. ۴- قریه به معنای ده و دهکده، شهر [دهخدا] در قریه سنوگرد ولسوالی گذره ولایت هرات یک زن مورد حمله مسلحانه فردی موتور سوار قرار گرفت. ۵- به شمول (شماره ۵۲۸، ص ۲) به معنای از جمله، از آن شمار [انوشه و خدابنده لو] به جای از جمله: امپریالیسم رسانه ای غرب به شمول بی بی سی فارسی از گذشته تاکنون ... ۶- قشون (ش ۵۲۸، ص ۳) به معنای لشکر [انصاف پور] به معنای ارتش: مردم افغانستان با شجاعت و دلآوری قشون سرخ شوروی را از خاک خود بیرون کردند. ۷- تمبر تشخیصیه، امریت عواید مستوفیت، اداره مستوفیت (ش ۵۲۶، ص ۱) مالیه: مالیات [انوشه و خدابنده لو] / عواید: درآمد / امریت: ۱- امریه: ابلاغیه، فرمان ۲- امر: کار، فرمان مستوفیت: اداره دارایی، حسابداری و دفترداری خزانه [انوشه و خدابنده لو] / تشخیصیه: از تشخیص به معنای شناسایی، بازشناسی [انصاف پور] این یک سیستم کمپیوتری و معیاری اداره مالیات است که اولین بخش آن که چاپ تمبر تشخیصیه مالیه دهنده میباشد، با موفقیت در امریت عواید مستوفیت هرات عملی گردید. در این مراسم ضیاء الحق سخا رئیس اداره مستوفیت ولایت هرات گفت: ...

۸- **ارباب** (شماره ۵۲۶ ص ۲) جمع رب به معنای صاحب، مالک، سرور [انصاف پور] به معنای کدخدا: ملک (هراتی: ارباب) : پولیس باید خادم ملت باشد ، نه ارباب ملت. [فهرست واژه‌های متفاوت در فارسی افغانستان و ایران] ۹- **منطوق** (ش ۴۵۵، ص ۱) به جای مضمون، سخن و کلام [دهخدا] درقرآن مجید آیه‌ای است بدین منطوق ۱۰- **مُلک** (ش ۴۵۵، ص ۲) به جای کشور [دهخدا] نمایشگاه متعلق به "ملکی متمدن" است ۱۱- **منبعث** (ش ۴۵۵، ص ۲) در معنای نشأت یافتن . ناشی شدن [دهخدا] ۱۲- **ولایت** (ش ۴۵۵، ص ۲) به جای استان [فهرست واژه‌های متفاوت در فارسی افغانستان و ایران] در بخش ولایتها غرفه کردستان و خوزستان و سمنان برگزیده شدند. ۱۳- **کوکنار** (ش ۴۵۵، ص ۲) در معنای غوزه خشخاش که از آن تریاک گیرند. [معین] دولت افغانستان سیاستهایی را درقبال محو و ریشه کن ساختن مزارع کوکنار دارد ۱۴- **صعوبت** (ش ۴۵۵، ص ۲) به جای سختی [معین] از آنجا که ابتلا و آزمایش همواره با سختی و صعوبت همراه میباشد ۱۵- **هبوط** (ش ۴۵۵، ص ۲) مقابل صعود، فرود [دهخدا] برخی از کشورها و دولتهای اسلامی دیگر، از طرف دیگر بام به پایین هبوط کرده اند ۱۶- **ت‌حزب** (ش ۴۵۵، ص ۳) به معنای گروه گروه شدن [معین] این در حالست که تحزب در آمریکا قدمتی بیش از ۱۸۳۰ میلادی دارد. ۱۷- **تقرر** (ش ۴۵۵، ص ۳) قرار گرفتن [دهخدا] در این دیدار سفیر ترکیه تقرر پوهنمل لوی پاسوال غلام مجتبی را به سمت وزیر امور داخله افغانستان تبریک گفته. ۱۸- **منسوبین** (ش ۴۵۵، ص ۳) در معنای متعلقان و وابستگان [دهخدا] و به ویژه در بخش آموزش منسوبین پولیس در مرکز آموزشی سیواز که یکی از بزرگترین مراکز تربیوی پولیس در آن کشور است. ۱۹- **مصدر** (ش ۴۵۵، ص ۳) در معنای منبع [معین] تاکنون ۱۰۰۰ تن از منسوبین پولیس ملی در مرکز متذکره تحت آموزش مسلکی قرار گرفته اند که ۵۰۰ تن از آنان پس از فراغت در پست های کلیدی وزارت امور داخله مصدر خدمت به مردم هستند. ۲۰- **سرحدی** (ش ۴۵۵، ص ۳) به معنای مرزی، سرحد: مرز، [فهرست واژه‌های متفاوت در فارسی افغانستان و ایران] وزیر امور داخله خواهان کمکهای بیشتر ترکیه در زمینه آموزش افسران پولیس به سوبه‌های لسانس و ماستری در بخشهای مبارزه با جرایم جنایی، مبارزه با تروریزم و سرحدی گردید. ۲۱- **ایتلاف** (ش ۴۵۵، ص ۴) به جای ائتلاف، با همدیگر الفت گرفتن و پیوسته شدن [دهخدا] بریتانیا به کار مشترک با قوای ایتلاف و نیروهای افغان ادامه داده تا از حملات از داخل صفوف نیروهای افغان بر همکاران خارجی آنها جلوگیری شود. * ۲۲- **محراق** (ش ۴۵۵، ص ۴) (از نظر نگارنده

محرّاق با توجه به کاربرد آن در جمله و نیز با توجه به شواهدی از آن در جملات دیگر میتواند به معنای مرکز باشد. حکایت از آن داشت که افغانستان عزیز همچنان در محرّاق توجه جهانیان به ویژه مسلمانان است. شاهد: حضرت حافظ دعا میکند که جمال محبوب، محرّاق و مرکز توجه هر نظر باد^۵ **۲۳-متکثر** (ش ۴۵۵، ص ۴) به معنای بسیار، انبوه [انصاف پور]، به معنای دارای کثرت [معین] از نشریات متکثر و رسانه های متعدد دیداری و شنیداری..... اطلاع بیشتر یافتند.

۲۴-ملک (ش ۴۵۵، ص ۴) به معنای کشور و مملکت [انصاف پور] خود بر ملک خویش سروری کنند. **۲۵-امنیه** (ش ۴۵۵، ص ۴) **ژاندارم** [معین] و [انصاف پور] محمد توریالی، قوماندان امنیه ولسوالی گرشک **۲۶-حصه** (ش ۵۸۵، ص ۱) به معنای قسمت، بهره، سهم [انصاف پور]، به معنای ناحیه، بخش [انوشه و خداینده لو] دولت افغانستان در حصه استرداد جایزادهایشان همکاری لازم خواهد کرد. **۲۷-تقنین** (ش ۵۸۵، ص ۱) در تداول فارسی امروز، قانون گزاردن . وضع قانون کردن [دهخدا] از اینرو، **تقنین** قانون ویژه ای که حقوق آنان را تعریف کند و ضمانت های اجرایی برای احقاق حقوق و حفظ کرامت انسانی آنان پیش بینی کند. **۲۸-مسوده** (ش ۵۸۵، ص ۱) پیش نویس، نوشته ای که بعداً اصلاح و پاکتویس شود، [معین] این سطور بر آن است تا فرمان تقنینی سابق یا مسوده کنونی قانون منع خشونت علیه زنان را از منظر حقوقی به سنجه بگیرد. **۲۹-سنجه** (ش ۵۸۵، ص ۱) به معنای وزنه، سنگ ترازو [انصاف پور] این سطور بر آن است تا فرمان تقنینی سابق یا مسوده کنونی قانون منع خشونت علیه زنان را از منظر حقوقی به سنجه بگیرد. **۳۰-موسع** (ش ۵۸۵، ص ۱) به معنای گسترده، فراخ [انصاف پور] اینکه خشونت مفهوم موسعی است و آیا اساساً این عنوان دارای معنای مشخص یا مخنث است **۳۱-مخنث** (ش ۵۸۵، ص ۱) به معنای خنثی، Asexual هیچ جنس گرایی یا جنس ناگرایی [فهرست واژه های متفاوت در فارسی افغانستان و ایران] اینکه خشونت مفهوم موسعی است و آیا اساساً این عنوان دارای معنای مشخص یا مخنث است **۳۲-مطمح نظر** (ش ۵۸۵، ص ۱) هر چیز که به دقت در وی بنگرند. (ناظم الاطباء). مورد نظر و توجه . آن که نظر را به سوی خود کشد : مرآن پادشاهزاده را که مطمحن نظر او بود خبر کردند. (گلستان) [دهخدا] تطابق یا تضاد آن با اصول قانون اساسی و ارزش های دینی مطمحن نظر است **۳۳-مجنی** (ش ۵۸۵، ص ۲) آن که مورد جنایت واقع شده. [معین] این قانون تنها به جرم انگاری و تعیین مجازات مصادیقی توجه کرده که مجنی زنان

است ۳۴- **باب: ۵** باب مکتب به جای ۵ ساختمان دبستان (ش ۵۸۵، ص ۳) ممیزهای دیگری نیز در گذشته به کار می‌رفته‌اند که در فارسی امروز دیگر کاربرد ندارند. مثل: تازیانه (افعی و مار سمی)، ... / باب (عمارت، خانه) [بررسی ممیزهای عدد در زبان فارسی، استاجی] ۳۵- **اختطاف** (ش ۵۸۵، ص ۳) به معنای ربودن، [دهخدا]، به معنای آدم ربایی، گروگانگیری [انوشه و خدابنده لو] مقامات امنیتی هرات از بازداشت ۵ آدم ربای حرفه‌ای به اتهام اختطاف یک تن از متنفذین قومی در ولسوالی شیندند خبر دادند. ۳۶- **اختطاف چی** (ش ۵۸۵، ص ۳) آدم ربا، (با توجه به معنای اختطاف) [دهخدا] ۵ فرد اختطاف چی را شناسایی و بازداشت کردند. ۳۷- **آمر** (ش ۵۸۵، ص ۳) فرمانده [دهخدا]، به معنای رئیس و سرپرست [انوشه و خدابنده لو] عبدالحمید حمیدی، آمر امنیت و سرپرست قوماندانی امنیه هرات ۳۸- **سراچه** (ش ۵۸۵، ص ۳) مصغر سرای، خانه کوچک [انوشه و خدابنده لو] از نزد این افراد ۲ میل تفنگچه و یک عراده موتر سراچه کشف و ضبط گردید. ۳۹- **باشندگان** (ش ۵۸۵، ص ۴)، جمع باشنده به معنای مقیم، [دهخدا] تعداد کثیری از باشندگان این ولسوالی با تجمع اعتراض آمیز خواهان بازداشت و مجازات عاملین این رویداد شدند. و نجیب الدوله افغان یوسف زی با پانزده هزار سوار افغان که باشنده هندوستان بود پس از ورود شاه درانی به نزدیکی دهلی خدمت شاه درانی آمده... ۴۰- **اسعار** (ش ۵۸۵، ص ۴)، اسعار خارجی: ارزشها (اصطلاح بانکی) [دهخدا]، جمع سعر، ارزشها [معین] نرخ طلا و اسعار خارجی ب- **کلماتی** که در دو کشور کاربرد دارند، اما معنی آنها (حدودا یا کاملا) در هر یک از دو کشور فرق میکند. ۴۱- **منزل** (شماره ۵۲۸، ص ۱) به معنای طبقه، ساختمان [انوشه و خدابنده لو] به جای پلاک (شماره ۵۲۸ ص ۱): منزل ۲۳۹ (در قسمت آدرس روزنامه) ۴۲- **تصادف** (ش ۵۲۸) (تقابل) [دهخدا] امروز دین و دنیا در تصادف است. ۴۳- **وکیل** (ش ۵۲۸) (نماینده مجلس) [معین] وکیل مردم در مجلس سنا گفت: ... ۴۴- **عریان** به معنای برهنه [دهخدا]، که منظور همان آشکار و مشخص است. با نگاهی منصفانه به سیاستهای استعماری دول یهودی و مسیحی علیه دولتها و ملت‌های اسلامی، به جهت عملی و خارجی این واقعیت آشکار و عریان پی خواهیم برد. ۴۵- **عراده** (ش ۵۸۵، ص ۳) الف) برای انواع اسحه سنگین مثل توپ و تانک [بررسی ممیزهای عدد در زبان فارسی، استاجی] ب) واحد شمارش وسایل نقلیه، مانند خودرو و دوچرخه، دستگاه [انوشه و خدابنده لو] (در اینجا همین معنی منظور است) از نزد این افراد ۲ میل تفنگچه و یک عراده موتر

سراچه کشف وضبط گردید. ۴۶-لادرک (عرب) (ش ۴۵۵، ص ۱): لادرک به معنای گم، ناپیدا، [انوشه و خدابنده لو] به محض اینکه نتایج پایانی تحقیقات را بدست بیاوریم، خواهیم گفت که دلیل لادرک شدن آنها چیستند و مامور امنیت ملی لادرک شده برای یک دوره آموزشی دو نیم ماهه رفته بودند. ۴۷-میل (ش ۴۵۵، ص ۲) به معنای قبضه، [انوشه و خدابنده لو] این گروه ۱۲ نفری مخالفان دولت ۱۰ میل سلاح و مقداری مهمات انفجاری خود را به دولت تحویل داده اند. ۴۸-مسلكی (ش ۴۵۵، ص ۳) به معنای فنی [انوشه و خدابنده لو] تاکنون ۱۰۰۰ تن از منسوبین پولیس ملی در مرکز متذکره تحت آموزش مسلكی قرار گرفته اند که ۵۰۰ تن از آنان پس از فراغت در پست های کلیدی وزارت امور داخله مصدر خدمت به مردم هستند. ۴۹-جايداد (ش ۵۸۵، ص ۱) جايداد به معنای اموال غیر منقول، دارایی، زمین کشاورزی [انوشه و خدابنده لو] دولت افغانستان در حصه استرداد جايداد هايشان همكاري لازم خواهد كرد. ۵۰-عصری (ش ۵۲۶، ص ۱) به معنای معاصر، شیوه روز [انوشه و خدابنده لو] امروزه ادارات کشور نیاز مبرمی به داشتن سیستمهای پیشرفته و عصری دارند که بتوان از این طریق از افزایش و بالا رفتن گراف فساد اداری، تخطیها و قانون گریزیها جلوگیری کرد.

ج- کلماتی که از زبان های دیگر به فارسی افغانستان راه یافته اند، اما هیچ حضوری در فارسی ایران ندارند.

۵۱-شرکت ترانسپورتی / ترانسپورت (انگل) به معنای حمل و نقل. [dic.amdz] در جمله: "فواد خان" سخنگوی شرکت ترانسپورتی بلال در گفتگو با خبرنگاران ابراز داشت. ۵۲-عساکر جمع عسگر (عربی) به معنای سرباز [انوشه و خدابنده لو] پس هر چه زودتر، عساکرشان را از افغانستان خارج نمایند و این نبرد بی پایان و بی مفهوم را عملاً پایان دهد. ۵۳-صحی (ش ۵۲۸، ص ۱) (عربی)، به معنای بهداشت، در کلمات مراقبت صحی به جای مراقبت بهداشتی، وزیر صحی به جای وزیر بهداشت، مقامات صحی به جای مقامات بهداشت، امور صحی به جای امور بهداشتی، [فهرست واژه های متفاوت در فارسی افغانستان و ایران] آردوی ملی آمریکا با وعده هایی دروغ که هرگز تحقق نمیابد شهروندان آمریکایی را استخدام میکند. وعده هایی درباره تعلیم و تربیت و مراقبتهای صحی رایگان و دیگر چیزها. / سفر وزیر صحت و برنامه محو فلج اطفال در قندهار ۵۴-واکسین پولیو (واکسن فلج اطفال) (انگل poliomyelitis) (ویکی پدیا) والی قندهار در این دیدار گفت که با کوششهای مکرر کارکنان صحی واکسین پولیو در ولایت قندهار، رقم اطفال واکسین نشده در هر دوره از ۶۰ هزار طفل در مناطق دوردست این ولایت، به ۱۵

هزار طفل رسیده است. ۵۵- **عنعنات** (ش ۵۲۸، ص ۱) به معنای آداب و رسوم و سنتها [انوشه و خدابنده لو] غربی‌ها برای سنتها و عنعنات اسلامی در افغانستان جدید، پلانهای مختلفی دارند.

۵۶- **پروگرام** (ش ۵۲۸، ص ۳)، به معنای برنامه (اروپایی) [برگردان کلمات فارسی دری افغانستان به کلمات فارسی ایران] به معنای طرح اجرای کار [انوشه و خدابنده لو] ۵۷- **سیستم تکس استندرد** / تکس (انگل) به معنای نرخنامه، برگه، مالیات [انوشه و خدابنده لو] / استندرد به معنای استاندارد [dic.amdz] روز دوشنبه طی محفلی با حضور معاون والی هرات سیستم تکس استندرد (سیگتاس) در ریاست مستوفیت این ولایت افتتاح شد. ۵۸- **هجمه** (ش ۵۲۸، ص ۱) (هجوم) (معنی این کلمه در جمله قابل درک میباشد). در پنج قرن اخیر، بزرگترین حملات و **هجمه**‌ها علیه اندیشه‌های اسلامی صورت گرفته است، ارباب کلیسا دین تحریف شده‌ی مسیحیت را با شدت و حدت تمام از راههای مختلف در دنیای اسلام ترویج می‌کردند. ۵۹- **گراف** (انگل)، (ش ۵۲۶، ص ۱) به معنای نمودار. [dic.abadis] نمودار: امروزه ادارات کشور نیاز مبرمی به داشتن سیستم‌های پیشرفته و عصری دارند که بتوان از این طریق از افزایش و بالا رفتن گراف فساد اداری، تخطیها و قانون‌گریزی‌ها جلوگیری کرد. ۶۰- **اعمار** (عربی) (ش ۵۲۶، ص ۲) تشناب به معنای دستشویی و یا حمام، اعمار به معنای بنا و مصروف به معنای مشغول و سرگرم [فهرست واژه‌های متفاوت در فارسی افغانستان و ایران] ۶۱- **مصروف** (عربی) (ش ۵۲۶، ص ۲) به معنای مشغول و سرگرم [فهرست واژه‌های متفاوت در فارسی افغانستان و ایران] این مکتب دارای ۱۲ صنف درسی، ۱۴ اتاق اداری، یک حلقه چاه آب آشامیدنی، سیستم برق، ۶ تشناب، میدین ورزشی با سایر ملحقات ضروری میباشد، که با اعمار این مکتب ۵۹۳ تن از شاگردان ذکور میتوانند در آن مصروف به تحصیل گردند. ۶۲- **لیسه** (ش ۵۲۶، ص ۲) (تلفظ نادرست "لیسه" فرانسوی، به معنای دبیرستان) [برگردان کلمات فارسی دری افغانستان به کلمات فارسی ایران] تعمیر جدید لیسه مسافران ولسوالی اویه ولایت هرات افتتاح و به بهره‌برداری رسید. ۶۳- **سارنوالی** (ش ۵۲۶، ص ۲) (پش) به معنای بازرسی [فرهنگ لغات پشتو] به گفته‌ی وی، تاکنون یک کلینیک خصوصی مسدود شده و مسئولان آن به دلیل تخطی به سارنوالی مربوطه معرفی شده‌اند. ۶۴- **پیچکاری** (فر) (ش ۵۲۶، ص ۲) الف) به معنای آمپول: پیچکاری (پیچکاری کردن) = امیول زدن (در هرات: سوزن زدن) [فهرست واژه‌های متفاوت در فارسی افغانستان و ایران] / ب) به معنای تزریق [واژه‌نامه همزبانان، فکرت] چندی پیش یکی از شهروندان هرات نیز مدعی شد که توسط یک پیچکاری در یکی از کلینیکهای خصوصی، مریض آنها جان باخته است. ۶۵- **ولسی جرگه**

(پیش)، (ش ۵۲۶، ص ۲) به معنای پارلمان، [فرهنگ لغات پشتو] محمد اسحاق رهگذر، نماینده مردم بلخ در ولسی جرگه، به خبرنگاران گفت... ۶۶- **ولسوالی** (پیش)، [درنگی بر جنجال زبان "فارسی" و "دری"، انگوری] / فرمانداری، حکمرانی (در تقسیمات کشور افغانستان) [فهرست واژه‌های متفاوت در فارسی افغانستان و ایران] وی افزود که در ۱۶ ولسوالی و ۳ مرکز ولایت، تشکیلات پولیس محلی ایجاد شده که به ۳۸۲ پسته امنیتی مصروف به خدمت هستند.

۶۷- **فیشن شو** به معنای مد [نوشه و خدابنده لو] و **انات و ذکور** به معنای بانوان و مردان [تبدیل لغات دری به فارسی و فارسی به دری] وی علاوه کرد که دو روز قبل، همایشی موسوم به فیشن شو از طرف روشنفکران اعم از طبقه انات و ذکور به دور از برگزار شد.

پوهنمل لوی پاسوال (پیش) (ش ۴۵۵، ص ۳) ۶۸- **پوهنمل** استادیار (درجه سوم، دوم و یکم) (پوهیالی، پوهنیار، پوهنمل) [وضعیت پژوهش در افغانستان، سید عبدالوهاب: ص ۱۶] ۶۹- **لوی** به معنای بزرگ [فرهنگ لغات پشتو] ۷۰- پاسوال به جای پاسبان [گنج باد آورده "پته خزانه" در زیر ذره بین تحقیق و بررسی، یزدانی] در این دیدار سفیر ترکیه تقرر پوهنمل لوی پاسوال غلام مجتبی را به سمت وزیر امور داخله افغانستان تبریک گفته. ۷۱- **انقره** (ش ۴۵۵، ص ۳) (پیش) به معنای آنکارا [فرهنگ لغات پشتو] سپس وزیر امور داخله با ابراز سپاس از کمکها و همکاریهای دولت انقره، گفت.

سویه‌های لسانس و ماستری

۷۲- **سویه** (ش ۴۵۵، ص ۳) به معنای تراز، سطح [نوشه و خدابنده لو] ۷۳- **ماستری** (ش ۴۵۵، ص ۳) به معنای فوق لیسانس، کارشناسی ارشد [نوشه و خدابنده لو] / **ماستری** (انگل، master) ، برابر واژه ی "ماستر" را در زبان فارسی، "دانشور" دانسته اند. دانشوری، درجه ی دانشگاهی بالاتر از لیسانس و پایینتر از دکترا است. [روش های درست نویسی و درست گویی در زبان، [برابره‌های فارسی چند واژه خارجی، جاوید: ص ۱۳-۱۵] وزیر امور داخله خواهان کمکهای بیشتر ترکیه در زمینه آموزش افسران پولیس به سویه های لسانس و ماستری در بخشهای مبارزه با جرایم جنایی، مبارزه با تروریزم و سرحدی گردید. ۷۴- **چوکی** (ش ۴۵۵، ص ۳) (هندی) به معنای صندلی، مقام، منصب [فهرست واژه‌های متفاوت در فارسی افغانستان و ایران] از بزرگان

^۶ طرفداران به کارگیری واژه های (پشتو) مثل "پوهنتون"، "پوهنزی"، "ولسوالی"، "پوهاند"، "دگروال" و می گویند "این واژه ها، جزو مصطلحات ملی افغانستان شده و دلیلی برای تغییر آن ها وجود ندارد. (انگوری)

کشور خواست تا بیش از این، بر سر حفظ چوکی و مقام، رقابت نکنند. ۷۵- چوکات (هندی) به معنای چارچوب، حد، قاب [فهرست واژه‌های متفاوت در فارسی افغانستان و ایران] وی اضافه کرد: تشکیل پولیس محلی در چوکات فرماندهی پولیس ژون ۳۰۳ پامیر شمال کشور، ۶۱۳۳ بوده که تاکنون ۵۰۷۶ نفر استخدام شده و توسط نیروهای بین‌المللی در مراکز تعلیمی آموزش مسلکی را دیده‌اند. ۷۶- استخباراتی (ش ۴۵۵، ص ۴) (عرب) اطلاعاتی [فهرست واژه‌های متفاوت در فارسی افغانستان و ایران] نظارت بر روند استخدام سربازان جدید جدیتر شده و تلاش‌های استخباراتی هم افزایش یافته است. ۷۷- قوماندانی امنیه شهربانی [فهرست واژه‌های متفاوت در فارسی افغانستان و ایران] ۷۸- قوماندان امنیه (ش ۴۵۵، ص ۴)، به معنای فرمانده، (کلمه ی «قوماندان» ریشه ی ترکی دارد که البته ترک‌ها هم از «قوماندان» زبان فرانسوی گرفته‌اند. در ترکی و فرانسوی به این کلمه «قوماندان» می‌گویند). [درباره ی کلماتی که در زبان فارسی به دو نوع نوشته می‌شوند، شایق] قوماندان: فرمانده [تبدیل لغات دری به فارسی و فارسی به دری] ۷۹- مشرانو جرگه (پش) (ش ۵۸۵، ص ۱) به معنای مجلس سنا [فهرست واژه‌های متفاوت در فارسی افغانستان و ایران] و [انوشه و خدابنده لو] داوود اساس "عضو مشرانو جرگه" ۸۰- تیلی کمونیکشن (انگل) (ش ۵۸۵، ص ۱) به جای ارتباطات و مخابرات رئیس بزرگترین تصدی هند موسوم به بهارتی که در بخش‌های تیلی کمونیکیشن، بیمه و پروسس مواد غذایی در ۲۱ کشور جهان فعالیت دارد. ۸۱- ترمینولوژی (انگل) terminology (ش ۵۸۵، ص ۲) اصطلاحات علمی یا فنی، کلمات فنی، لغات هیچ تعریف و توضیحی در ترمینولوژی این قانون از خرید و فروش زن به منظور یا بهانه ازدواج به دست داده نشده ۸۲- سرک (هندی) (ش ۵۸۵، ص ۴) از واژه هندی سرکا (Saraka) ^۷ به معنای خیابان، [فهرست واژه‌های متفاوت در فارسی افغانستان و ایران] کابل، سرک شهید مزاری ۸۳- طب عدلی (ش ۵۸۵، ص ۴)، پزشکی قانونی [انوشه و خدابنده لو] جسد آقای هاشمی برای تحقیقات به طب عدلی فرستاده شد ۸۴- تخنیک (ش ۵۸۵، ص ۴) به معنای فنی (بر گرفته از روسی "تخنیکسکی) [تبدیل لغات دری به فارسی و فارسی به دری] هاشمی علاوه بر اینکه در بخش‌های تخنیک با رادیو همکاری داشتند... ارتباط رادیویی با شموئیل عازار و ایسون گری دو پیلوت حاضر در این جنگنده قطع شده

^۷ کدام زبان برای دولت افغانستان 'بیگانه' است؟ <http://khali8923.blogfa.com/post/195>

د- واژه‌های فارسی که در افغانستان کاربرد دارند و در ایران ناشناخته‌اند.

۸۵- زردگ (ش ۵۲۶، ص ۲)، به معنای هویج، چماق و هویج (به انگلیسی Carrot and stick در اصطلاح به سیاست ارائه تشویق برای رفتار خوب و ارائه تنبیه برای رفتار بد است. یا به عبارتی به معنی سیاست تهدید و تحبیب به کار میرود. [آمریکا در راستای سیاست چماق و هویج (تهدید و تحبیب)] استفاده همزمان از سیاست زردگ و چماق از سوی دولت افغانستان.....

۸۶- چوچه (ش ۵۲۸ ص ۲) به معنای جوجه [فهرست واژه‌های متفاوت در فارسی افغانستان و ایران] یعنی بچه، مثال: (چوچه پشک، چوچه پیشک: به معنای بچه گربه [نوشه و خدابنده لو]، توله: و باز زن دیگری در آمریکا به چوچه سگی از پستان مادرانه اش شیر میدهد. ۸۷- کهنه سرباز: به معنی ایثارگر (برگرفته از واژه لاتین vetus به معنی کهنه) به شخصی اطلاق میشود که، سالیان دراز تجربه خدمت در نیروهای مسلح دارد. لذا این افراد به خاطر تاثیری که در تحولات جهانی و کشور خود داشته اند بسیار مورد احترام و افتخار میباشند. [جهانیان و ایثار و شهادت]، بنابر مطالعات امور کهنه سربازان، بیش از دو سوم کهنه سربازان که اقدام به خودکشی میکنند، ۵۰ ساله یا ۵۰ سال به بالا هستند. *۸۸- همپذیری به معنای همبستگی. بسیار به جا و شایسته است که آن آیه بلند و انسانی را به عنوان شعار شعورمند صلح و همپذیری، بر سر در سازمان ملل متحد، نصب و نقش کنند. ۸۹- تشناب (ش ۵۲۶، ص ۲) به معنای دستشویی و یا حمام، این مکتب دارای ۱۲ صنف درسی، ۱۴ اتاق اداری، یک حلقه چاه آب آشامیدنی، سیستم برق ۶۰، تشناب، میادین ورزشی با سایر ملحقات ضروری میباشد.

م- کلمات قابل فهم که تقریباً در املاء متفاوتند.

۹۰- داکتر (ش ۵۲۸ ص ۱) به معنای دکتر، پزشک، طبیب (واژه ای انگلیسی) [نوشه و خدابنده لو] ۹۱- دالر (ش ۵۲۸ ص ۱) (انگل) به معنای دلار ۹۲- به زودترین فرصت و وعده سپرد (شماره ۵۲۸ ص ۱) به جای در اولین فرصت و وعده داد صدر اعظم پاکستان به مسئولان اتاق تجارت وعده سپرد که به زودترین فرصت مشکلات متوقف شدن کانتینرها حل و فصل خواهد شد. ۹۳- پولیس (شماره ۵۲۸ ص ۱) به معنای پلیس (واژه ای انگلیسی) [نوشه و خدابنده لو] اردوی تونس تنها ۳۵ هزار نظامی و پولیس این کشور نیز ۱۳۵ هزار مامور دارد. ۹۴- تداوی (شماره ۵۲۸ ص ۱) به معنای مداوا و درمان [نوشه و خدابنده لو] تداوی فلج اطفال، هنوز در این

ولایت دستاورد خوبی نداشته است. ۹۵- **موتر** (ش ۵۲۸) (انگل) ، به معنای خودرو، اتومبیل، ماشین [نوشه و خداینده لو] *۹۶- **تسری** (ش ۵۲۸) (سرایت) بعد از این تحول ، سکولاریزم به وجود آمد، یعنی جدایی دین از سیاست که این اندیشه از مرزهای اروپا میگذرد و به جوامع اسلامی **تسری** پیدا میکند. ۹۷- **پروفیسور** (ش ۵۲۸ ، ص ۳) به معنای پروفیسور، استاد [نوشه و خداینده لو] پروفیسور عصمت اللهی ۹۸- **فبروری** (ش ۵۲۶، ص ۱) فوریه ۱۲ فبروری ۲۰۱۳

۹۹- **شبیهِ خون** (ش ۵۲۸، ص ۲) به معنای شبیخون امپریالیسم رسانه ای غرب به شمول بی بی سی فارسی از گذشته تاکنون... به ویژه پس از سال ۲۰۰۱ همزمان با ورود گسترده نیروهای خارجی به افغانستان با سودگیری خاصی از نرم خبرها و دیگر شگردهای خبری و تهاجم علیه فرهنگ اصیل مردم افغانستان القای فرهنگ بیگانه و تثبیت آن ، نوعی شبیه خون فرهنگی را در راستای بی هویت کردن مردم ما به پیش برده است. ۱۰۰- **کمپیوتری** (ش ۵۲۶، ص ۱) به جای کامپیوتری ۱۰۱- **مالیه دهنده** (ش ۵۲۶، ص ۱) این یک سیستم کامپیوتری و معیاری اداره مالیات است که اولین بخش آن که چاپ تمبر تشخیصیه مالیه دهنده میباشد. ۱۰۲- **علاوه کرد** (ش ۵۲۸، ص ۲) به معنای اضافه کرد فرمانده ناتو علاوه کرد که او جهت تحقیقات بیشتر یکی از فرماندهان نیروهای خارجی را به ولایت کنر فرستاده است. ۱۰۳- **تیلِفون** (ش ۵۲۶، ص ۱) به معنای دستگاه تلفن (واژه ای انگلیسی) [نوشه و خداینده لو] ۱۰۴- **دوست داشتن افراطی خویش** (شماره ۵۲۶، ص ۱) به جای خودپسندی زیاد : اما از آنجا که انسانها به دلیل دوست داشتن افراطی خویش، نمیتوانند به نقد دقیق و منصفانه خود و اکتسابات نفسانی خویش بپردازند... ۱۰۵- **غیر الزام آور** (ش ۵۲۶، ص ۲) به جای غیر ضروری وقتی پاکستان از همکاری در زمینه برگزاری یک کنفرانس غیرالزام آور اجتناب میورزد... ۱۰۶- **روی همین دلیل** (ش ۵۲۶، ص ۳) به معنای به همین دلیل / **بند شدن** به معنای گیر کردن و بسته شدن [نوشه و خداینده لو] **روی همین دلیل** با بند شدن وارداتی، تجار کشور یا دست به احتکار میزنند ۱۰۷- **صحت یابی** (ش ۵۲۶، ص ۳) به معنای معالجه و درمان / **سال روان**: سال جاری، روان به معنای جاری [نوشه و خداینده لو] در ۲۹ دلو سال روان ، پس از صحت یابی دوباره به کشور باز میگردند. ۱۰۸- **مواد** (ش ۵۲۶، ص ۳) به معنای مفاد. در راستای تهیه مواد این قطعنامه پیشنهاداتی را ارائه داشته ایم... ۱۰۹- **بالا** (ش ۵۲۶، ص ۳) به جای بالاترین . اکثر استادان دانشگاه ، سطح سوادشان از لیسانس بالا نیست. ۱۱۰- **تکنالوژی** (ش ۵۲۶، ص ۳) به جای تکنولوژی / **فزکی** به معنای فیزیکی، از فزک به معنای فیزیک (واژه ای فرانسوی) [نوشه و خداینده لو]

حکومت حداقل در ۱۱ سال گذشته باید از **تکنالوژی** دنیا در جهت شکوفایی فکر و فرهنگ و پیشرفت و صنعت استفاده اعظمی میکرد. به جای باز سازی **فرکی**، آنهم در حد بسیار پایین، بازسازی فرهنگی و معنوی را روی دست میگرفت. **۱۱۱- برای چنین یک مدت درازی** (ش ۵۲۶، ص ۳) به جای: برای چنین مدت طولانی- تاکنون جهان هیچگاه تجمع علت ها را با منابع متعهد برای چنین یک مدت درازی تجربه نکرده. **۱۱۲- به طور فزاینده ای حرفه ای** (ش ۵۲۶، ص ۳) به جای: به شکل بسیار حرفه ایو هم چنین علاوه کرد که در طول دو سال آینده نیروهای امنیتی افغانستان به طور فزاینده ای حرفه ای، مستقل و مطمئن خواهند شد. **۱۱۳- دونیم ماهه** (ش ۴۵۵، ص ۱): دو تا ۱۵ روز. دو مامور امنیت ملی لادرک شده برای یک دوره آموزشی دو نیم ماهه
 رفته بودند. **۱۱۴- وعده سپردند** (ش ۴۵۵، ص ۲) به جای وعده دادند. این افراد وعده سپردند
۱۱۵- بیشتر از به جای بیشتر (ش ۴۵۵، ص ۲) بیشتر از ما انسان ها، از گرفتن نمره قبولی محروم میشویم. **۱۱۶- وزیر امور داخله** (ش ۴۵۵، ص ۳) به معنای وزیر کشور [فهرست واژه‌های متفاوت در فارسی افغانستان و ایران] **۱۱۷- تربیوی** به جای تربیتی (ش ۴۵۵، ص ۳) از تربیه به معنای تربیت [نوشه و خداینده لو] و به ویژه در بخش آموزش منسوبین پولیس در مرکز آموزشی سیواز که یکی از بزرگترین مراکز تربیوی پولیس در آن کشور است. **۱۱۸- پر مخاطب** (ش ۴۵۵، ص ۴) به جای پرمخاطب ترین (استفاده از صفت عادی به جای صفت عالی) غرفه خبرگزاری صدای افغان و روزنامه انصاف، پر مخاطب بخش بین الملل نمایشگاه مطبوعات و خبرگزاریها بود. **۱۱۹- در خصوص** (ش ۴۵۵، ص ۴) به جای در این خصوص. در خصوص پس از ۲۰۱۴ و توان امنیتی کشور هم از زبان دست اندر کاران یکی از رسانه ها و... شنیدند. **۱۲۰- در برای** (ش ۴۵۵، ص ۴) به جای درباره. در برای سازماندهی روند انتخابات آرزوی موفقیت نموده است. **۱۲۱- پوسته** (ش ۴۵۵، ص ۴) به معنای پست [فهرست واژه‌های متفاوت در فارسی افغانستان و ایران] این تیراندازی در یک پوسته پولیس در جریان تغییر شیفت کاری رخ داده است. **۱۲۲- استراتیژی** (ش ۵۸۵، ص ۱) از استراتژی به معنای فن تدابیر جنگی، هدف غایی در سیاست و جنگ، راهبرد [انصاف پور] اما سوال اینجا است که این تغییر استراتیژی تا چه حد میتواند امنیت افغانستان را تامین کند. **۱۲۳- با این هم** (ش ۵۸۵، ص ۱) به معنای با اینحال [تبدیل لغات فارسی به دری و دری به فارسی] با این هم بلقیس روشن یکی دیگر از اعضای مشرانو جرگه حکومت افغانستان را در امر معادلات خارجی، ناکارا توصیف کرده. **۱۲۴- در رابطه به** (ش ۵۸۵، ص ۱) به جای در رابطه با

در رابطه به فرصت‌های خوب سرمایه‌گذاری در افغانستان. در رابطه به مشکلاتشان به رئیس‌جمهور کشور معلومات دادند. ۱۲۵- تصدی (ش ۵۸۵، ص ۱) به جای مقام، عهده‌دار کاری شدن، مسئولیت کاری را پذیرفتن [معین]. به معنای سرپرستی [انصاف پورا] رئیس بزرگترین تصدی هند موسوم به بهارتی که در بخش‌های تیلی کمونیکیشن، بیمه و پروسس مواد غذایی در ۲۱ کشور جهان فعالیت دارد. *۱۲۶- اجرائیوی (ش ۵۸۵، ص ۱) رئیس اجرائیوی خدمات صحتی فور تیس. ۱۲۷- معلومات دادند (ش ۵۸۵، ص ۱) به جای اطلاعات دادند. معلومات: اطلاعات، آگاهی، خبر [انوشه و خدابنده لو] در رابطه به مشکلاتشان به رئیس‌جمهور کشور معلومات دادند.

۱۲۸- حمایوی (ش ۵۸۵، ص ۲) به جای حمایتی. تمهیدات حمایوی از قربانیان خشونت است که در بند (۲) ماده ۶ قانون آمده. ۱۲۹- مصوئن به موافقه (ش ۵۸۵، ص ۲) مصون به معنای درپناه [انصاف پورا] یعنی امن / به موافقه یعنی با موافقت دسترسی به مرکز حمایوی یا خانه امن یا سایر محلات مصوئن به موافقه وی است. ۱۳۰- مجلسین به جای مجلسیها (ش ۵۸۵، ص ۳) مجلسین شورای ملی هم باید آن را تصویب کنند. ۱۳۱- در اخیر (ش ۵۸۵، ص ۳) به جای اخیرا در اخیر مولوی عبدالعزیز، دیگر کارشناس مسائل دینی، به خبرگزاری صدای افغان گفت.

۱۳۲- کمپنی (ش ۵۸۵، ص ۳) (انگل) به جای شرکت یا کمپانی. مسئولین کمپنی دویی الکوزی. ۱۳۳- بازداشت (ش ۵۸۵، ص ۳) به جای بازداشت شده یا بازداشتی (کاربرد صفت عادی به جای صفت مفعولی) وی تصریح کرد که افراد بازداشت به نامهای میر احمد، محمد، ... میباشند.

۱۳۴- میل (ش ۵۸۵، ص ۳): الف) از وابسته‌های عددی بین عدد و معدود/برخی غلط‌های عام در فارسی دری، حبیب / ب) به معنای قبضه [انوشه و خدابنده لو]

۲ میل تفنگچه ۱۳۵- اشتراک‌کنندگان به معنای شرکت‌کنندگان (ش ۵۸۵، ص ۴) / اشتراک کردن به معنای شرکت کردن [انوشه و خدابنده لو] امسال قرار است آنان نیز در جمع اشتراک‌کنندگان مسجد اهل بیت (ع) باشند. ۱۳۶- ماین (ش ۵۸۵، ص ۴) به معنای مین [انوشه و خدابنده لو]... به حملات انتحاری و جاسازی ماین‌های کنار جاده دست میزنند. ۱۳۷- بر بنیاد (ش ۵۸۵، ص ۴) به جای براساس. بر بنیاد گفته‌های وزارت امور داخله. ۱۳۸- جاپان (ش ۵۸۵، ص ۴) به معنای ژاپن [انوشه و خدابنده لو] هزارین جاپان ۱۳۹- در پیوند به به معنای درارتباط با

۱۲ تن را در پیوند به قتلع فروش مواد مخدر، مشروب نوشی و دزدی از مربوطات حوزه های اول، سوم، ششم و نهم امنیتی شهر کابل بازداشت نمودند.

دربررسیها لغاتی وجود داشت که اسم خاص است و برای رفع ابهام آورده میشود:

۱۴۰- **کشک رباط سنگی** (ش ۴۵۵، ص ۲): نام یک بخش از تقسیمات کشوری است، دوازده تن از طالبان از ولسوالی کشک رباط سنگی هرات به برنامه صلح پیوستند. نمونه: (در این روز در ولسوالی های کشک رباط سنگی، شیندند، گلران، اوبه و ادرسکن تعداد ۱۳ نفر افراد ملکی زخمی و ۷ نفر کشته شده اند. [afshagarheriy] ۱۴۱- **ریانووستی** (ش ۴۵۵، ص ۴)، خبرگزاری بین المللی روسیه «ریا نووستی» (به **روسی**: Российское агентство «РИА Новости» **международных новостей**) یک **خبرگزاری** متعلق به دولت **روسیه** است که اخبار خود را از طریق **اینترنت** و بصورت چندرسانه‌ای منتشر میکند. علاوه بر **فارسی**، این خبرگزاری اخبار خود را به زبان‌های **روسی**، **انگلیسی**، **آلمانی**، **فرانسوی**، **اسپانیایی**، **عربی**، **چینی** و **ژاپنی** هم منتشر مینماید. به گزارش ریانووستی در اطلاعیه وزارت خارجه روسیه آمده است.

نتیجه گیری:

بررسیها در این پژوهش از میان ۴۶۸۲۵۰ لغت در ۵ شماره روزنامه، نشان میدهد که تقریباً تمام کلمات نوشتاری فارسی افغانستان و ایران یکسان است و بیشترین تفاوتی که دیده میشود، در استفاده از کلمات مهجور (۴۰ لغت)، کلمات بیگانه (۳۳ لغت) و کلمات متفاوت در املاء (۴۹ لغت) میباشد. کلمات بیگانه بررسی شده (به ترتیب از بیشترین کاربرد) شامل: کلمات انگلیسی (۸ لغت)، پشتو (۸ لغت)، عربی (۸ لغت)، هندی (۳ لغت)، فرانسوی (۳ لغت)، اروپایی (۱ لغت) و روسی (۱ لغت) میباشد، که این مساله بیشتر میتواند به دلیل حضور کشورهای خارجی در افغانستان در دهه‌های اخیر باشد. و حضور کلمات مهجور به این دلیل میباشد که دری افغانی در مقایسه با سایر لهجه‌های فارسی امروز مقید به قواعد زبان فارسی دری بوده و کمتر تحول یافته است و بر خلاف فارسی رایج در ایران که اکنون ساده‌تر شده، این لهجه ویژگیهای زبان قدیم را بیشتر در خود حفظ کرده است. درست مانند حفظ این ویژگیها در گویشهای محلی بعضی از مناطق ایران. در نهایت از مقایسه گونه نوشتاری فارسی ایران و افغانستان چنین بر می‌آید که صرفنظر از تفاوت‌های مذکور تقریباً تمام کلمات نوشتاری فارسی افغانستان و ایران یکسان است. و دامنه تفاوتها در این بخش به حدی نیست که در امر تفهیم و تفاهم در نوشتار اختلال عمده ای به وجود آورد.

یافته‌ها در این پژوهش با نظرات کاظمی، کلباسی و حکیمی همخوانی دارد.

منابع و مأخذ:

۱. بررسی ممیزهای عدد در زبان فارسی، استاجی، اعظم، مجله تخصصی زبان‌شناسی و گویشهای خراسان دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد (علمی - پژوهشی)، شماره ۱ - پاییز و زمستان، ۱۳۸۸
۲. برگردان کلمات فارسی دری افغانستان به کلمات فارسی ایران،
<http://www.afghanpaper.com/info/kalamat/dari.htm>
۳. تبدیل لغات دری به فارسی و فارسی به دری،
<http://www.forum.98ia.com>
۴. تبدیل لغات فارسی به دری و دری به فارسی <http://fa.wikipedia.org/wiki/>
۵. درباره کلماتی که در زبان فارسی به دو نوع نوشته میشوند، شایق، علی، به نقل از:
<http://8am.af/>، ۱۳۸۷.
۶. فارسی ناشنیده، فرهنگ واژه‌ها و اصطلاحات فارسی و فارسی شده کاربردی در افغانستان، حسن انوشه، غلامرضا خداینده لو، نشر قطره، پاییز ۱۳۹۱
۷. فرهنگ معین، معین، محمد، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱
۸. لغت‌نامه دهخدا (لوح فشرده)، دهخدا، علی اکبر، مؤسسه لغت‌نامه دهخدا، انتشارات دانشگاه تهران
۹. فهرست واژه‌های متفاوت در فارسی افغانستان و ایران <http://fa.wikipedia.org/wiki>
۱۰. فارسی و تاجیکی: دو گونه متفاوت از زبان فارسی، نامه پارسی، رزم آرا، مرتضی، سال دهم، شماره سوم، پاییز، ص ۱۰۹-۱۲۷ (۱۳۸۴).
۱۱. فرهنگ لغات پشتو <http://fa.glosbe.com/ps/fa>
۱۲. کامل فرهنگ فارسی یا (فرهنگ دری برای ملل ایرانی، تاجیک، افغان، خوارزم، فارسی زبانان از بنگال و هند و پاکستان تا قفقاز و آسیای غربی کرد)، انصاف پور، غلامرضا، انتشارات زوار، چاپ گلشن، ۱۳۷۳
۱۳. واژه نامه همزبانان، فکرت، محمدآصف، انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۷۷.
۱۴. یگانگی فرهنگی، کاظمی، محمد کاظم، ماهنامه سوره، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۵، شماره ۲۴، صفحه ۶۶
۱۵. <http://khalili8923.blogfa.com/post/195>
۱۶. Lewis, Franklin (2004), "Persian Language and Litrature," *Encyclopedia of MUSLIM World*.